

# جیحون حاجی بی لی؛ بنیانگذار مطالعات قفقاز در فرانسه



آو دری ک. آلتستادت  
کارشناس ارشد تاریخ

سجاد حسینی  
دانشجوی دکتری تاریخ

### چکیده

حاجی بی‌لی در سال ۱۸۹۱م. در قره باغ به دنیا آمد. او در ۱۹۱۹م. هنگام شرکت در کنفرانس صلح پاریس تنها ۲۸ سال داشت و از جمله جوان‌ترین اعضای این هیئت دیپلماتیک بود. جیحون حاجی بی‌لی توانست تاریخ واقعی و راستین سرکوب شدگان زمان تصفیه را بر همگان آشکار و روشن سازد.

نسل‌های بعدی نیز از نوشته‌های او بهره بردند و امروز نیز امکان استفاده از آن وجود دارد. در زمان خروش چوف بعد از شروع مبارزه با طرح «استالینسچینا»، بی‌گناهی افرادی که در زمان «تصفیه» سرکوب گشته بودند، ثابت شد و پیش کشیدن اسامی آنها ممکن گشت. مورخان نیز شروع به نوشتن در خصوص زندگی و فعالیت‌های این افراد کردند. رژیم خروشچوف بازنگری در سیاست‌های زیانبار استالین را اعلان داشت

در سال ۱۹۱۹م. هم‌زمان با کنفرانس صلح پاریس نمایندگان ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی با هیئت کوچک اعزامی از جمهوری آذربایجان دیدار کردند. غربی‌ها به جز شناخت و آشنایی با نفت با کو اطلاعات اندکی درباره جمهوری آذربایجان داشتند.

اعضای این هیئت نمایندگی به سرپرستی علی مردان توپچی باشی مدیر مسئول روزنامه و وکیل مشهور با ارائه کتابچه‌ها، مقالات و انجام دیدارهای شخصی و... در معرفی جمهوری آذربایجان اهتمام ورزیدند. این فعالیت‌ها، حتی پس از پایان کنفرانس صلح پاریس نیز ادامه یافت. جیحون حاجی بی لی یکی از اعضای این هیئت نمایندگی بود. او بیش از بقیه اعضا در خارج ماند و فعالیت‌های بیشتری را از خود نشان داد.

حاجی بی لی در سال ۱۸۹۱م. در قره باغ به دنیا آمد. او در ۱۹۱۹م. هنگام شرکت در کنفرانس صلح پاریس تنها ۲۸ سال داشت و از جمله جوان‌ترین اعضای این هیئت دیپلماتیک بود. جیحون حاجی بی لی به دو علت برای این مأموریت دیپلماتیک برگزیده شد: دلیل نخست اینکه او یک روشنفکر شاخص و یک ژونالیست با تجربه بود. او به همراه برادر بزرگش عَزیر حاجی بی لی (عَزیر حاجی بیگوف) معروف، اشعار اپرای لیلی و مجنون (نخستین اپرای عَزیر حاجی بیگوف) را نوشت و در ۱۷ سالگی ایفاگر نقشی در اپرا گشت.

بعد از آن دو برادر برای روزنامه‌های باکو مقالات فکاهی - انتقادی بسیاری را نوشتند. جیحون جوان، در سال‌های قبل از جنگ اول جهانی در تحت عنوان «ج. داغستانی»، «داغستانی» و سپس «آذری» مقالات و نوشته‌های خود را در روزنامه‌های باکو به چاپ می‌رساند.

دلیل دوم این انتخاب تسلط کامل حاجی بی لی به زبان فرانسه بود. او قبل از جنگ جهانی اول به پاریس رفت و در دانشگاه پاریس مشغول به تحصیل شد. وی بیش از یک سال در فرانسه ماند و آنجا را به خوبی شناخت و خواندن و نوشتن به زبان فرانسه را، که در دنیای دیپلماسی زبان بسیار مهمی به حساب می‌آمد، آموخت.

هم زمان با برگزاری کنفرانس صلح پاریس، حاجی بی لی تحت عنوان D.Z.T اثری با نام Azerbaidjan: La premie re repubique Musulmane ( نخستین جمهوری مسلمان: آذربایجان) را نوشت. این نوشته ابتدا به صورت سلسله مقالاتی در مجله پر نفوذ Revue du Monde Musulman چاپ شد و سپس در قالب کتابی منتشر گردید. حاجی بی لی در این اثر به شرح ثروت‌های طبیعی جمهوری آذربایجان، از جمله نفت، و تاریخ سیاسی جمهوری پرداخته است.

در ابتدای سال بعد (ماه ژانویه ۱۹۲۰م.) کشورهای انگلیس، فرانسه و ایالات متحده آمریکا، جمهوری آذربایجان را به عنوان دفاکتو (defact) شناختند. با این وجود در ماه آوریل همان سال

اردوی یازدهم بلشویک، جمهوری آذربایجان را اشغال کرد. لهذا فعالان هیئت اعزامی به پاریس نتوانستند به کشورشان بازگردند. آنها برای ترغیب دولت‌های انگلیس، فرانسه، ایتالیا و ایالات متحده امریکا جهت به رسمیت نشناختن دولت تشکیل یافته توسط بلشویک‌ها، مبارزه با آن و کمک به جمهوری دموکراتیک آذربایجان فعالیت نمودند و بنا به دلایل گوناگونی موفق نگشتند:

۱- غربی‌ها به جز آگاهی و شناخت از نفت اطلاعات اندکی درباره جمهوری آذربایجان داشتند.  
 ۲- (اگر هم اطلاعات و شناختی داشتند) به اراضی که در گذشته جزئی از خاک امپراتوری بود از نقطه نظر امپریالیستی می‌نگریستند. بعضی از سردمداران انگلیسی به آشکار می‌گفتند که:

مردمی که در قفقاز زندگی می‌کنند، «انسان‌های بی‌تمدن خواهان تمدن‌اند، برای متمدن ساختن شان پول‌های مان را خرج نخواهیم کرد».

۳- حفظ روابط با روسیه - چه روسیه تزاری و چه روسیه بلشویکی - آسانتر از برقراری و حفظ مناسبات با چندین کشور کوچک‌تر بود.

در سال ۱۹۲۰م. جیحون حاجی بی لی، به فعالیت‌های خویش ادامه می‌داد. اپرای «آرشین مال‌آلان» برادرش غزیر، توسط او به فرانسوی ترجمه و در پاریس به روی صحنه می‌رود و بدین ترتیب برگ

جدیدی در تاریخ فرهنگ و مدنیت جمهوری آذربایجان رقم می‌خورد. در سال‌های ۱۹۳۰م. چندین اثر از این روشنفکر آذری در خصوص فرهنگ آذربایجان به رشته تحریر در می‌آید. از آن جمله می‌توان به: «لهجه و فولکلور قره‌باغ» اشاره داشت. این اثر به زبان فرانسوی نوشته شد و در سال ۱۹۳۳م. در مجله علمی Journal Asiatqute در پاریس به چاپ رسید.

حاجی بی لی در این اثر، ضمن بیان وجود لهجه‌های مختلف در ترکی آذربایجانی، خصوصیت‌ها و ویژگی‌های لهجه قره‌باغی را تشریح می‌نماید. حاجی بی لی برای نشان دادن این خصوصیت‌ها اشعار و لطایف کوتاهی را بدان لهجه بیان می‌دارد.

در یکی از این لطایف از بیماری «عبدالرحیم بیگ وزیراف مین باشی» سخن به میان می‌آورد.

### بنا به نوشته‌های

### حاجی بی لی، برخی

از ترانه‌های حسین جاوید،

مانند «تیمور لنگ» و

«پیغمبر (ص)» همچنان

قدغن ماند و فقط آن بخش از

کارهای جاوید امکان پخش یافت

که تنها بازگوکننده آداب

و رسوم مردم آذربایجان بود

هویت خود را به خوبی درک می‌کرد.

او با وجود بهره‌گیری از زبان‌های روسی و فرانسوی به فرهنگ ملی خود بها می‌داد و هیچ‌گاه فرانسوی و روسی مآب نگشت.

حاجی بی‌لی روشنفکران غرب زده بعد از انقلاب بلشویکی را چنین به تصویر می‌کشد:

«در زبان مادریش بی‌سواد است... در هر چیز محلی و ملی، تنها نادانی ژرف انسان را می‌یابد... بدین علت ادبیات ملی را دوست نمی‌دارد و برای خوار نشان دادن آن در دید اروپاییان، نسبت به زبان مادری اظهار بی‌علاقگی می‌کند. به خاطر عدم فهم و آشنایی، موسیقی ملی را نیز نمی‌پسندد. اما آن را با موزیک‌های اروپایی، که هیچ چیزی از آنها نمی‌فهمد، مقایسه می‌کند و دارای نقصان بر می‌شمارد. سعی می‌کند در هر مسئله‌ای که به شیوه اروپایی است، خود را متخصص نشان دهد». این روشنفکر و نویسنده آذربایجانی، هنگام زندگی در فرانسه به انتشار معلوماتی درباره مدنیت و فرهنگ آذربایجانی اهتمام می‌ورزد. نوشتن مقاله «لهجه و فولکلور قره‌باغ» و به روی صحنه بردن اپرای «آرشین مال‌آلان» به زبان فرانسوی نمونه‌هایی از این رویه اوست. وی تنها خود را با مسایل فرهنگی مشغول نساخت. او حوادث رخ داده در اتحاد جماهیر شوروی و خصوصاً آذربایجان شوروی را با دقت دنبال می‌کرد.

جیحون حاجی بی‌لی، در سال ۱۹۳۰م. در خصوص «تصفیه» رخ داده در اتحاد جماهیر شوروی تحقیقاتی انجام داد و حوادث سال ۱۹۳۷م. را تحلیل نمود. وی که از مقالات چاپ شده در شوروی بهره می‌برد، پروسه تصفیه را به تصویر می‌کشد و اتهامات دروغین را روشن می‌سازد. او مطرح می‌کند که بعضی از این متهم‌ها، سازندگان سیستم سیاسی آذربایجان شوروی بودند. متهمانی که اکثرشان حتی به دادگاه نیز آورده نشدند.

یکی از جالب‌ترین بخش‌های این موضوع، مسئله «نریمانوفسچینا» بود. در ۱۹۳۷م. در دادگاه حمید سلطان‌اف، وزیر داخله «کمیساری خلق»، دادستان از متهم پرسید: «از چه زمانی روابطتان با ملیون یعنی با «نریمانوفسچینا» آغاز شده است؟»

حاجی بی‌لی می‌افزاید که میرجعفر باقراف، دبیر اول حزب کمونیست، پیش از این یک بار از همین اصطلاح «نریمانوفسچینا» استفاده کرده بود. اما در دادگاه حمید سلطان‌اف مجدداً جهت محاکمه دکتر نریمان نریمانوف (متوفی ۱۹۲۵م.) همرا با سایر متهمان اقدام می‌شود. و همان طور که می‌دانید، رهبران حزب کمونیست آذربایجان از نریمانوف به بدی یاد می‌کنند.

جیحون حاجی بی لی توانست تاریخ واقعی و راستین سرکوب شدگان زمان تصفیه را بر همگان آشکار و روشن سازد.

نسل های بعدی نیز از نوشته های او بهره بردند و امروز نیز امکان استفاده از آن وجود دارد. در زمان خروش چوف بعد از شروع مبارزه با طرح «استالینسچینا»، بی گناهی افرادی که در زمان «تصفیه» سرکوب گشته بودند، ثابت شد و پیش کشیدن اسامی آنها ممکن گشت. مورخان نیز شروع به نوشتن در خصوص زندگی و فعالیت های این افراد کردند. رژیم خروش چوف بازنگری در سیاست های زیانبار استالین را اعلان داشت. اما بعضی از سرکوب شدگان مانند محمدامین رسول زاده که در سال ۱۹۵۴م. در گذشته بود، همچنان به عنوان «دشمن خلق» باقی ماندند. بنابراین هنوز نوشتن درباره چنین شخصیت هایی امکان نداشت. تنها بررسی و نگارش بخش های معینی از زندگی و فعالیت های برخی از این افراد ممکن بود ولی امکان بررسی تمامی زوایای حیات و فعالیت های این افراد وجود نداشت.

بنا به نوشته های حاجی بی لی، برخی از ترانه های حسین جاوید، مانند «تیمور لنگ» و «پیغمبر (ص)» همچنان قدغن ماند و فقط آن بخش از کارهای جاوید امکان پخش یافت که تنها بازگو کننده آداب و رسوم مردم آذربایجان بود. از دیدگاه رژیم شوروی در آن زمان، چنین موضوعاتی خطر ناک نبودند. اما ترانه ای مانند «پیغمبر (ص)» تماماً تصورات دیگری را در اذهان ایجاد می نمود. چرا که موضوع آن مقدس ترین شخصیت در دین اسلام محسوب می گشت. حاجی بی لی که تأثیرات این گونه ترانه را خوب درک می کرد، می پرسید: چرا «[آنها را نشان نمی دهند؟] علی رغم همه حرف های شان هنوز از نقطه نظر دوران «شخص پرستی» به قضیه می نگردند؟» وی ارتباط بسیار نزدیک میان مسایل سیاسی و فرهنگی آذربایجان را به خوبی می فهمد و در آثارش زوایای باریک و دقیقی موجود در این ارتباط را هویدا می سازد. حاجی بی لی در سال ۱۹۲۰م. با تألیف کتاب (Antiislamistskaya propaganda i ee metody Azerbaidzhane) سیاست ضد دینی حکومت شوروی را برملا می کند.

در سال ۱۹۲۰م. حرکت ضد دینی شوروی در جهت محو دین گام برمی داشت. در راستای این حرکت روحانیون دستگیر و به سیبری تبعید می گشتند و یا اینکه کشته می شدند. برای نخستین بار در غرب، جیحون حاجی بی لی ماهیت این سیاست را درک کرد.

هر دو برادر (جیحون و عزیز) از آموزش و پرورش به سبک نوین برای دختران و پسران حمایت

می‌کردند. جیحون در سال ۱۹۲۰ م. برای مدتی به معلمی در یکی از این مدارس سبک نوین پرداخت.

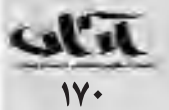
در اپرای «او اولماسین بو اولسون» و «آرشین مال آلان» عزیز، نگه داشتن زنان در حرم، ازدواج با مردان بدون شناخت قبلی و دیگر موارد زیانباری از این قبیل مورد انتقاد قرار گرفته است. هم‌فکران آنها به خوبی می‌دانستند که «اگر پسران ما با سواد بگردند، هرگز دختران بی‌سواد را نخواهند پسندید.»

جیحون حاجی‌بی‌لی و همفکران او، در راستای آفرینش ملتی برای زندگی در دنیای معاصر، آشنا به آداب و رسوم خود، آگاه به هویت خویش و باسواد، تلاش می‌نمودند. بنابراین به هر انسانی ارزش قائل می‌شدند. بعد از فروپاشی اولین جمهوری در آذربایجان، حاجی‌بی‌لی برای گسترش و انتشار اهداف آن جمهوری در غرب تلاش نمود. وی علی‌رغم مشکلات شخصی، تمامی عمر خود را صرف قلم‌فرسایی در این راه کرد.

جیحون حاجی‌بی‌لی در ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ م. در پاریس درگذشت. اما اندیشه‌ها و آرای او با کالبد بی‌جانیش به خاک سپرده نشد. او در پاریس با اندیشمندانی چون الکساندر بن نیگسن (Bennigsen Aleksander) آشنا شد.

بن نیگسن هنگام نگارش کتاب «مطبوعات و حرکت ملی مسلمانان روسیه» به همراه ساتتال لمرسیه - کلکزای (Chantel Lemercier-Quelquejay) از کمک‌های حاجی‌بی‌لی بهره برد. او از اطلاعات جیحون درباره مطبوعات جمهوری آذربایجان استفاده کرد. بعدها پروفیسور بن نیگسن یکی از بزرگترین ترک‌شناسان غرب شد. مرحوم پروفیسور بن نیگسن دانشجویان متعددی داشت که یکی از آنها من (مولف) هستم و در حال حاضر مشغول تحقیق و پژوهش درباره تاریخ آذربایجان می‌باشم. براین اساس افکار و تأثیرات جیحون حاجی‌بی‌لی همچنان پابرجاست. اما مدت‌هاست که دیگر نام او در جمهوری آذربایجان به گوش نمی‌رسد. در جهان غرب نیز آگاهی اندکی درباره زندگی و اقدامات او وجود دارد و همین امر باعث شد تا من به نگارش درباره این شخصیت بپردازم.





■ توضیحات:

۱. عادل خان زیادخان، معاون وزیر خارجه جمهوری آذربایجان (۱۹۲۰-۱۹۱۸م.) در این خصوص چنین گزارش می‌دهد: «از سوی جمهوری آذربایجان هیئتی جهت محافظه و مدافعه از استقلال آذربایجان به کنفرانس صلح اعزام شد. قابل ذکر است که بی‌حیاها برای ممانعت از ورود جملگیشان کوشیدند. دقت نظر سرتاسر که زمین به کنفرانس منعقد در پاریس می‌باشد. عجباً آیا این کنفرانس تمامی مسائل بغرنج بشریت را حل خواهد نمود؟ آیا به خولیاهای جهانگیری درآینده پایان خواهد داد؟ کنفرانس و کنگره اقوام و سوسیالیست‌ها در این خصوص چاره‌ای خواهند یافت؟ غیر از مسئله ترک سلاح در این کنفرانس مسائل دیگری چون مرزبندی دولت‌ها و دیگر مسائل مهم دولتی حل خواهد شد.» (زیاد خان، ۶۰: ۱۹۱۹-۹۰)

در این کنفرانس استقلال جمهوری آذربایجان به رسمیت شناخته می‌شود. این واقعه در ژانویه ۱۹۲۰م. / دی ۱۲۹۸هـ.ش با حضور اولین سفیر این جمهوری در ایران همراه می‌گردد. از این رو مطبوعات ایران در ضمن گزارش سفر سفیر آذربایجان در ایران در این باب نیز سخن می‌رانند. روزنامه رعد ضمن خیرمقدم به هیئت سفارت جمهوری آذربایجان در این خصوص می‌نگارد: «امروز در حالی که ورود شخص محترم نماینده دولت آذربایجان جناب عادل خان زیادخان و معاون محترم ایشان آقای میرزا علی اکبر آقارا تبریک می‌گوییم، مسروریم که آنان نیز در سرور و نشاط پذیرایی ایرانیان مژده رسمیت یافتن آذربایجان را در خاک ما شنیده و این خوشبختی و سعادت را در میان آغوش نوازش برادرانه ما مشاهده کردند.» (رعد، شماره ۲۲۷، ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۸هـ.ق. / ۲۵ جدی)

برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

۲. بعد از فروپاشی امپراتوری روسیه تزاری، اقوام ساکن در منطقه قفقاز جنوبی در پی استقلال برآمدند و «سیم» (مجلس) ماورای قفقاز را پی افکندند. آن‌ها طی اجلاسی در ۲۳ فوریه / ۱۲ جمادی الاول سیم ماورای قفقاز را با شرکت نمایندگان ارمنی، آذری و گرجی تشکیل دادند. در ۲۲ آوریل ۱۹۱۸ م. / ۱۱ رجب ۱۳۳۶ هـ.ق. سیم ماورای قفقاز به جمهوری دموکراتیک فدراتیو ماورای قفقاز مبدل شد و جمهوری‌های مستقل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در ترکیب آن باهم متحد گشتند. این جمهوری فدراتیو جدید زیاد دوام نیاورد و چند روز بعد در ۲۶ آوریل گرجستان از ترکیب آن خارج گشت. استقلال کامل آذربایجان از جمهوری دموکراتیک فدراتیو ماورای قفقاز در ۲۸ مه همان سال تحقق یافت. شورای ملی آذربایجان، بیان‌نامه استقلال را تنظیم کرد و به دولت‌های بزرگ جهان و همسایگانش ارسال داشت.

۳. چیحون حاجی بی لی (حاجی بیگوف) (شوشا ۱۸۹۱م. - پاریس ۱۹۶۱م.)، فرزند عبدالحسین، تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه روس - تاتار شوشا آغاز کرد و تحصیلات متوسطه‌اش را در شهر باکو به پایان رساند. وی در ۱۹۰۸م. همراه با برادرش غزیر در مدرسه «سعادت» علی بیگ حسین زاده به شغل معلمی مشغول گشت. حاجی بی لی در سال ۱۹۰۹م. با بهره‌مندی از کمک‌های میلیونر خیرخواه مرتضی مختاراف، در دانشکده حقوق دانشگاه پترزبورگ آغاز به تحصیل نمود و چندی بعد تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن پاریس ادامه داد. وی با اتمام تحصیلات عالی در ۱۹۱۶م. به باکو بازگشت و به قلم‌فرسایی در مطبوعات پرداخت. وی در دوران جمهوری آذربایجان (۲۰-۱۹۱۸م.) یکی از دوسردبیر روزنامه «آذربایجان» ارگان رسمی این جمهوری بود. از ۲۸ نوامبر ۱۹۱۸م. مسئولیت سردبیری بخش آذری این روزنامه بدو محول گشت. در همین دوران وی به عنوان مشاور در قالب هیأت اعزامی جمهوری آذربایجان به کنفرانس صلح پاریس جای گرفت.

۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: (رئیس‌نیا، ۳۰: ۱۳۵۷-۷)

۵. ظهور و رشد مطبوعات محلی در مسلمان نشین‌های قفقاز جنوبی به اواخر قرن ۱۹ م. برمی‌گردد. اول بار حسن بیگ ملک‌اف زردابی (۱۹۰۷-۱۸۴۲ م. / ۱۳۲۵-۱۲۵۸ هـ.ق.) با نشر روزنامه «اکینچی» در ۲۲ جولای ۱۸۷۵م. / ۱۸ جمادی الثانی ۱۲۹۲ هـ.ق. در این راه پیشتازی کرد. انتشار نخستین شماره از «اکینچی» سر و صدای فراوانی را در منطقه به پا کرد. در اواخر نیمه دوم قرن ۱۹ م. میلادی تفلیس مرکز چاپ و نشر مطبوعات گرانسنگی چون «ضیاء»، «ضیاء قفقازیه» و «کشکول» گردید.

۶. جمهوری دموکراتیک آذربایجان بر اثر پیشروی لشکر ۱۱ ارتش سرخ و قیام بلشویک‌های محلی در باکو، در ۲۷ آوریل ۱۹۲۰م. / ۸ شعبان ۱۳۳۸ هـ.ق. سقوط کرد. لشکرکشی ارتش سرخ به سرحدات شمالی جمهوری دموکراتیک آذربایجان در حالی صورت می‌گرفت که بخش قابل توجهی از ارتش این کشور مشغول جنگ در جبهه قره باغ با نیروهای ارمنی بود و مرزهای شمالی این



جمهوری تقریباً خالی از هر گونه نیروی دفاعی بود. اوضاع آشفته اقتصاد این کشور، مشکلات مرزی با ارمنستان، فعالیت نیروهای ترک کمونیست، تغییر پی در پی دولت‌ها و... در تسریع این سقوط تأثیر داشت. سرانجام در ۲۸ آوریل / ۹ شعبان حکومت جمهوری آذربایجان شوروی اعلام موجودیت کرد و دوره جدیدی از تاریخ مسلمانان قفقاز جنوبی آغاز شد.

۷. نمایش نامه کمدی موزیکال «آرشین مال آلان» اثر عزیر حاجی بیگوف می‌باشد. وی این کمدی را در زمان تحصیل در مسکو نگاشت و به سال ۱۹۱۳ م. در باکو به صحنه برد. این نمایش آنچنان موفق بود که نام و آوازه عزیر را در همه جا پراکند. کمدی مذکور بارها در شهرهای مختلف ایران به صحنه رفت و مخاطبین بسیاری را یافت. اعلان‌های متعدد برپایی این تئاتر موزیکال در گراند هتل تهران در روزنامه رعد سال ۱۳۳۶، ه.ق. به چشم می‌خورد.

۸. حمید سلطان‌اف، فرزند حسن در ۱۸۸۹ م. در منطقه قازاق به دنیا آمد. او از فعالان در سرنگونی جمهوری دموکراتیک آذربایجان و از مؤسسان جمهوری سوسیالیستی و کمونیستی آذربایجان در سال ۱۹۲۰ م. بود. وی در سال ۱۹۰۰ م. وارد ژیمنازیای تفلیس شد و در سال ۱۹۰۶ م. به باکو رفت و در منطقه بالاخانی مشغول به کار شد. سلطان‌اف در سال‌های ۹-۱۹۰۷ م. ضمن فعالیت در معادن «رامان»، به تبلیغات انقلابی در نزد کارگران پرداخت. وی در سال ۱۹۰۷ م. به عضویت در حزب سوسیال دموکرات کارگر روسیه (بلشویک‌ها) درآمد و در سال‌های ۱۳-۱۹۰۹ به تحصیل در یکی از انستیتوهای پولیتکنیک آلمان مشغول گشت. سلطان‌اف در سال‌های ۱۷-۱۹۱۴ م. به کار در معادن نفت باکو پرداخت و در دسامبر ۱۹۱۷ م. به عضویت کمیته اجرایی حزب «همت» باکو درآمد. او همچنین عضو کمیته حزبی انقلابی ارتش قفقاز بود. وی در نخستین همایش حزب کمونیست آذربایجان در فوریه ۱۹۲۰ م. به عنوان عضو کمیته مرکزی این حزب انتخاب شد. او با داشتن مسئولیت‌هایی چون عضو کمیته موقتی انقلاب آذربایجان، کمیساری امور داخلی خلق، کمیساری فوق العاده کمیته انقلاب آذربایجان در منطقه گنجه، در سرکوب عصیان گنجه در ۱۹۲۰ م. نقش فعالی را ایفا نمود. از دیگر مسئولیت‌های سلطان‌اف می‌توان به مواردی چون کمیساری خلق صنایع و تجارت، صدر شورای تصرفات خلق آذربایجان، صدر شورای کمیساری خلق جمهوری شوروی سوسیالیستی نخجوان، و... اشاره داشت.

۹. حسین رائی زاده متخلص به جاوید، در سال ۱۸۸۲ م. در خانواده روحانی متفکر عبدالله رائی زاده در نخجوان چشم به جهان گشود و تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاه خویش سپری کرد. در سال‌های ۱۹۰۳-۱۸۹۹ م. به تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز پرداخت و در سال ۱۹۰۹ م. از شعبه ادبیات دانشگاه استانبول فارغ‌التحصیل گشت. از وی با عنوان یکی از بنیانگذاران ادبیات معاصر جمهوری آذربایجان یاد می‌شود. نخستین مجموعه اشعار او با عنوان «روزهای سپری شده» در سال ۱۹۱۳ م. به چاپ رسید. وی نگارش درام‌های تاریخی را در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم پی گرفت و در این راستا «پیغمبر» را در سال ۱۹۲۳ م.، «تیمور لنگ» را در ۱۹۲۵ م.، «سیاوش» را در ۱۹۳۳ م. و «خیام» را در ۱۹۳۵ م. نگاشت.

۱۰. این نمایش نامه کمدی نیز از جمله شاهکارهای عزیر حاجی بیگوف محسوب می‌گردد که بیشتر با نام «مشهدیاد قفقازی» معروف گشت و بارها در شهرهای مختلف ایران نیز به صحنه رفت: «او اولماسون بو اولسون یا عروسی مشهدی عباد پیر به زبان ترکی. اپرت در سه پرده از تصنیفات عزیر بیگ حاجی بیگ‌اف مصنف مشهور در منتهای درجه قشنگی با ارکس و پیانوی آقای نصرالله خان رئیس موزیک قزاق خانه به توسط اکثر ابویان و مادام کناریک با اکثریس‌های دیگر... در لیل ۱۸ جمعه شهر جاری در گراند هتل است». (رعد، شماره ۵۶، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ / ۹ دلو)

«او الماسون بو لسون (این یکی نشد آن بشود) بنا به خواهش جمعی آقایان با ذوق بازم مشهدی عباد می‌خواهد توسط پول زیاد زن اختیار کند. لیله شنبه ۲۶ شهر حال ساعت دو از شب رفته به زبان ترکی در سالون گراند هتل شروع خواهد شد». (رعد، شماره ۶۳، ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ / ۱۹ دلو) «بیانید. ببینید. شب دوشنبه ۲۲ جمادی‌الاول ساعت ۲ از شب گذشته در سالون گراند هتل با مضحکترین قامتی عرض اندام خواهم نمود. امضاء مشهدی عباد قفقازی». (رعد، شماره ۱۲۰، ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ / ۴ حوت)

■ منابع و مأخذ:

- بیات، کاوه، (۱۳۸۰)، توفان برف فراز قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه.  
رئیس‌نیا، رحیم، (۱۳۵۷)، عزیر و دو انقلاب، تهران: چاپار.  
زیادخان، عادل‌خان، (۱۹۱۹م.)، آذربایجان حقدنه تاریخی، ادبی و سیاسی معلومات، باکو، حکومت مطبعه سی.  
سویتو خوسفسکی، تادیوش، (۱۳۸۱)، آذربایجان روسیه شکل‌گیری هویت ملی در یک جامعه مسلمان، ترجمه: کاظم فیروزمند، تهران، شادگان.  
رعد، شماره ۲۲۷، ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۸ ه.ق. / ۲۵ جدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی